

بسم الله الرحمن الرحيم

موضوع: نهج البلاعه جلسه پنجم و دوم تاریخ ۸۷/۱۰/۲۵

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على خاتم الانبياء والمرسلين سيدنا ونبينا أبي القاسم محمد وعلى أهل بيته الطيبين الطاهرين المخصوصين سيما بقية الله في الارضين واللعنة على أعدائهم أجمعين.

آمریکا و قدرت های استکباری که از آمریکا تبعیت می کنند می باشند. سومین مجرم در این جریان ها سازمان های بین المللی هستند. سازمان ملل، شورای امنیت و امثال آنها. اینها از آغزار به این اسم و عنوان به وجود آمده اند که طرفدار صلح باشند و در مقابل ظلم و غیتان عکس العمل منفی و مخالف نشان دهند؛ اما الان این طور نیست. این سازمان های بین المللی فعلا ایزاری هستند در دست قدرت های استکباری. اگر یک وقتی هم مجبور می شوند قطع نامه ای صادر کنند بسیار بخاصیت و کم رنگ و بی اثر است. چهارمین مجرم در این جریان سران سازشگر عرب هستند. این سران چون از طرف پشت‌وانه مردمی ندارند مجبور می شوند زیر سیطره استکبار قرار بگیرند تا بتوانند حکومت خود را چند روزی حفظ کنند. خلاً اینها از پشتیبانی مردمی است، چنان که دیده می شود تظاهرات از طرف مردم برقرار است. ولی آنها چراغ سبز به آمریکا و چهیونیست نشان داده اند. از طرف این سازشگران عرب احکام اسلام و معارف اسلام را زیر پال گذاشته اند. مگر نه این است که اسلام می گوید اگر یک مسلمانی در یک مضیقه ای قرار بگیرد و استمداد کند، مسلمان دیگر نمی تواند بی تقاضت باشد و باید کمک کند. اسلام می گوید که مسلمان ها باید با هم هماهنگ باشند و نسبت به زندگی هم بی تقاضت نباشند. ولی اینها تمام جریان های مربوط به اسلام را پشت پا گذاشته و با دشمنان اسلام هم پیاله می شوند، مصافحه می کنند و گرم می گیرند. (لا تَنْجُذُوا أَيُّهُودًا وَ النَّصَارَى أُولَئِيَّاء) ولی آنها زیر سیطره یهود و نصاری قرار گرفته اند. بنابراین می توان سازشکاران عرب را چهارمین مجرم و مقصو در این جریان قلمداد کرد و شناخت. این است جریان مصیبت باری که در این چند روز در نوار غزه گذشته و می گذرد.

ولی از طرف باید توجه داشته باشیم که مقاومت امروزه غزه و حماس مثل مقاومت دیروز حزب الله لبنان است. چهیونیست و اسرائیل اشغالگر در مسیر سقوط و سراشیب اضمحلال حرکت می کنند؛ این بسیار روشن است. اگر یکی دو سال قبل از این ما جریان برخورد مسلمانان فلسطینی را با چهیونیستها می دیدیم آنها با سنگ از خودشان دفاع می کردند. اما امروز آنقدر قدرت پیدا کرده اند \_هم مادی و هم معنوی\_ داشتن موشك ها و سلاح هایی که کاربرد زیادی دارد. از طرف هم قدرت روحی آنها روز به روز راه را برای آنها روشن تر می کند و ثابت می کند که همان جریانی که در انتظار اسرائیل در لبنان بود و واقع شد همان جریان در انتظار چهیونیست ها در نوار غزه است. ما مطلب را خیلی روشن می بینیم.

امروز هجدهمین نوزدهمین روزی است که جمله وحشیانه چهیونیستها به نوار غزه انجام گرفته است. در این چند روز با به راه انداختن حمام خون و کشتن زنان و کودکان و تخریب مساجد و مراکز عبادت و بستن راه نان و آب و برق و احتیاجات زندگی، این جنایت وحشیانه همچنان از راه زمین و هوا ادامه دارد. البته ظلم ها و جنایت آنها ریشه تاریخی ۵۰-۶۰ ساله دارد. چهیونیست های جنایتکار بعد از پیرون کردن مردم فلسطین از خانه و کاشانه شان و آواره کردن آنها و به راه انداختن دیر یاسین ها و کشتن افراد آزادی خواه، علماء و جهادگران، این جریان را چندید سال است که همچنان ادامه می دهد.

ما باید ریشه اصلی این جریان ها را در نظر بگیریم و بشناسیم. اولین ریشه همین فکر و فرهنگ چهیونیستی است که با اسلام و مسلمان ها از آغزار مخالفت و عداوت و دشمنی به شکل های مختلف داشته اند و اعمال کرده اند و هرگز حاضر نشدند در برابر منطق و استدلال تسلیم باشند. بنابراین اولین مجرم خود فکر و فرهنگ آنها است. دوم، قدرت های استکباری است که این کانون فساد و شرارت را در منطقه خاور میانه ایجاد کرده اند و این شجره خبیثه را غرض و تقویت کرده اند، برای اینکه آنها هم با اسلام دشمنی و کینه دیرینه دارند و روز به روز در تقویت چهیونیست ها در برابر اسلام و مسلمان ها کوشیده اند. الان هم می بینیم که آلمان و فرانسه و انگلستان علاوه بر آمریکا با چه منطقی از چهیونیست ها پشتیبانی می کنند. با مغالطه هایی که چهیونیست ها در خانه خودشان با دشمنان خود می جنگند و می خواهند قدرت خودشان را در خانه خود حفظ کنند. این یک مغالطه است؛ چون خانه مال آنها نیست. غاصبان و ستمگرانی اراضی فلسطینیان را اشغال کردند. اگر یک غاصبی جایی را غصب کند و در آنجا بخواهد از خود دفاع کند این مشروعیت ندارد. غاصب نمی تواند بگوید اینجا خانه من است. اینها غاصبند و اشغالگر و صاحبان خانه فلسطینیان هستند. آنها باید قیام کنند و جهاد کنند و خانه خودشان را از لوث وجود غاصبان و اشغالگران پاکیزه و منزه بسازند. بنابراین دومین مجرم و مقصو این جریان

کتاب بعد از قرآن کریم جامع ترین کتاب اسلام و فرهنگ اسلام است. در این کتاب درس شهامت، درس جهاد، درس عزت، درس ترقی و تکامل در همه ابعاد زندگی وجود دارد. می‌دانید که زندگی انسان دارای ابعاد و جهات متعددی هست. ما باید به تمام ابعاد توجه کنیم و در تمام ابعاد درس خود را از این کتاب با عظمت فرا بگیریم. یک بعد از ابعاد زندگی انسان بعد اقتصادی است که بعد بسیار مهمی است. «من لا معاش له لا معاد له». برای خاطر اینکه آن زندگی که در پرتو مال و شروت و تأمین احتیاجات اقتصادی انجام می‌گیرد بعد مهمی از زندگی انسان است. یک بعد دیگر بعد سیاسی و مدیریت جامعه است از جهات مختلف. بعد دیگر بعد فرهنگی است که شامل تعلیم و تربیت و علم و فرهنگ است. بعد دیگر بعد جهادی است در برابر دشمنان که همیشه در برابر حق صفات آرایی داشتند. اینها ابعادی است که در زندگی انسان وجود دارد.

ما با توفیق پروردگار که درباره حکومت اسلامی علوی از نهج البلاغه بحث می‌کنیم، فعلاً یکی از اصول همان اصول مربوط به اقتصاد است. این موضوع، موضوع بسیار مهمی است. ما فعلاً در بیت المال بحث می‌کنیم، وقتی که قرآن را مطالعه می‌کنیم می‌بینیم که هر یغماً بر از جانب خداوند در یک بعدی از ابعاد زندگی انسان درخشندگی و بر جستگی خاصی را دارد. در مورد حضرت یوسف ﷺ (وَ قَالَ الْمُلِكُ أَشْتُونَى بِهِ أَسْتَخْلَصُهُ لِنَفْسِي فَلَمَّا كَلَمَهُ قَالَ إِنَّكَ الْيَوْمَ لَدَنَا مَكِينٌ أَمِينٌ) این یکی از بر جستگی هایی است که در زندگی حضرت یوسف ﷺ جلوه گر است. بعد از آن همه جریان‌ها و مشکلاتی که می‌دانید و به وجود آمده بالآخره حضرت یوسف ﷺ طلوع کرده است. بعد از اینکه ملک این شایستگی‌ها را از حضرت یوسف ﷺ شنید و دید، گفت: از زندان او را بیرون بیاورید (استخلاصه لنفسی) تا او از خواص خودم قرار دهم. وقتی که آمد (کلمه) و با او صحبت کرد، «الْمَرْءُ مَحْبُوَّةٌ تَحْتَ لِسَانِهِ»— به آن قدرت فکر و فرهنگ یوسف پی برد. (قالَ إِنَّكَ الْيَوْمَ لَدَنَا مَكِينٌ أَمِينٌ) حالاً حضرت یوسف ﷺ (قالَ اجْعَلْنِي عَلَى حَرَائِنِ الْأَرْضِ) حضرت یوسف آن جنبه اقتصادی و بیت المال را در نظر گرفت. گفت حالاً که این چنین شد خزانه زمین را در اختیار من بده (إِنِّي حَفِظَ عَلَيْم) درس بزرگ قرآن در اینجا این است. بیت المال باید در دست کسی باشد که «حَفِظَ عَلَيْم» است. دو چیز مهم است یکی اینکه حافظ باشد و بیت المال را از همه جهت حفظ کند. چون افراد بسیاری به بیت المال دست برد می‌زنند و به آن طمع دارند. حفظ که بتواند به طور کلی

ما از اینجا به مقاومت و حماس اعلام می‌کنیم که شما بدانید که این جریان به نفع شما و با لطف خداوند تمام شد. اولاً قام آزادی خواهان دنیا و مسلمانان، چهره کریه اسرائیل را شناختند. آنها تبلیغات فراوانی به کار برده بودند؛ با ساختن هلوکاستها و امثال آن. ولی مردم چهره هایشان شناختند و غیر از شرارت، خونریزی، تهاجم وحشیانه و ددمنشانه چیزی از شما ساخته نیست. بنابراین یکی از فواید این جریان، به نفع اسلام و مسلمان‌ها این بود که نقاب صهیونیست‌ها از چهره هایشان کنار رفت و کاملاً ماهیت و هویت آنها شناخته شد. از طرف هم معلوم شد که مقاومت و حماس هم مانند حزب الله لبنان دارای قدرت رو به افزایش هستند و این قدرت، قدرت الهی است.

ما از همین جا به حماس اعلام می‌کنیم که شما بدانید تمام دهای مسلمان و آزادی خواه و کسانی که بر اساس فطرشان گام بر میدارند با شماست و پشتیبان شما هستند شما مدارا (إِنَّ الَّذِينَ قَاتَلُوا رَبِّنَا اللَّهَ ثُمَّ اسْتَقَمُوا فَلَا حَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَعْزُزُونَ) را بر سینه دارید. به دلیل اینکه «ربنا الله» گفتید و راه استقامت را پیش گرفتید. خوف از آینده و حزفی از گذشته به خود راه ندهید، راه بسیار روشن است. افق جدیدی در پیش روی شما گشوده شد که آن افق فتح و ظفر و عزت شما است. شاید تا به حال این افق این طور روشن نبود و درخشنان نبود و بدانید که صبح روشن در مقابل شماست. (إِنَّ مَوْعِدَكُمُ الصَّبُحُ أُلَيْسَ الصَّبُحُ بِقَرْبِ) آخرین کلام این است که علاوه بر اینکه همه مسلمانهای متهمد و تمام آرادی خواهان جهان مادیاً و معنویاً پشتیبان شما هستند، حوزه های علمیه و علماء به دلیل اینکه وظیفه خاصی دارند نیز از شما حمایت می‌کنند. «وَ مَا أَخْذَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْعَلَمَاءُ أَلَا يَغَارُوا عَلَى كَظَةِ ظَالِمٍ وَ لَا سَعْ مَلُومَ». خداوند این عهد و پیمان را از علمای متعهد گرفته که در برابر ظلم ظالمان و مظلومیت مظلومان بی تقاضت نباشد. از این جهت حوزه های علمیه و علماء نیز از همه جهت حامی شما هستند. امیدوارم به همین زودی ها فتح و پیروزی کامل نصیب شما شود.

ما از همین جا درود خود را به مردم مقاوم حماس نثار و اعلام می‌کنیم و به آنها می‌گوییم که مطمئن باشید که فاتح و پیروز این جریان شما هستید. بر مقاومت و جهاد خودتان هیچنان ادامه دهید. (إِن تَنْصُرُوا اللَّهُ بِنَصْرِكُمْ) شما که در راه خداوند گام برمی‌دارید برای دفع ظلم، پیروزی و نصرت از آن شماست. خداوند به شما توفیق پیشتری در این راه عنایت بفرماید.

چهارشنبه‌ها همان طور که می‌دانید بحث ما با توفیق پروردگار در نهج البلاغه بود. نهج البلاغه برای خود یک دانشگاهی است. این

بسیاری هستند که مثل امروز دنیا و فردای دنیا در برابر حق تسلیم نیستند و موضع گیری مختلف دارند؛ ناچار باید غربال به وجود باید و آن چهره‌ها از این چهره‌ها شناخته شود. «وَلَشَاطِنَ سُوْطُ الْفَلَذِ» مثل دیگی که در میان آن دیگ محتويات فراوانی است و وقتی که جوش می‌آید آن مواد بالا و پایین می‌آیند. آن کس که ملاقه در دستش است و دیگ را به هم می‌زند آن خیلی از مواد را بالا و پایین می‌برد. شما نیز به همان شکلی که در داخل دیگ مواد حرکت می‌کنند خواهید شد.

«حَتَّىٰ يَعُودَ أَسْفَلَكُمْ أَغْلَامُّ وَأَعْلَمُكُمْ أَسْفَلَكُمْ» بیاری از کسانی که کنار زده بودید، عمارها، مالک اشترها، و امثال آنها دوباره در افق فعلی چهره هایشان غایبان خواهد شد و در مصادر و مساندی که شایستگی دارند قرار خواهند گرفت و بسیاری که «يَخْضُمُونَ مَالَ اللَّهِ حِظْمَةً الْأَيْلِ بَيْتَ الرَّبِيعَ» آنها باید کنار و پایین بروند. انقلاب الهی این چنین است. انقلاب الهی خیلی از بالاها را پایین و پایین‌ها را بالا می‌برد. «وَلَيَسِقْنَ سَبَّاقُونَ كَائِنُوا فَصَرُوا» بسیاری سبقت داشتند در اسلام. مثل عمارها، ابوذرها، سلمان‌ها، مالک اشترها و امثال آنها. آنها را شما کنار زدید باید الان به رو بیایند «وَلَيَقْصُرُنَ سَبَّاقُونَ كَائِنُوا سَبَّقُوا» بسیاری هم به وجود آمدند از جمله خوپشاوندان عثمان و عمر و امثال اینها که باید به کنار بروند. این اعلان آن انقلاب و تحولی است که نهج البلاغه می‌خواهد در این زمینه به وجود بیاورد.

بنده یک مقداری از هر خطبه را می‌خوانم بعد آدرس را به شما عرض می‌کنم که خودتان مطالعه کنید. این کلمات که الان ما خواندیم کلام ۱۶ است. در شرح خوئی جلد سوم صفحه ۳۱۷، در شرح ابن ابی الحدید جلد ۱ صفحه ۲۷۲، در شرح بجرانی جلد اول صفحه ۲۹۶، در ف ظلال جلد اول صفحه ۳۱۳. تا به شروح مراجعه نکنیم برای مان این کلمات به درستی روشن فی شود. خیلی از مطالب نهج البلاغه با تاریخ ارتباط دارد. چون یک دانشگاه است. چنانچه آن خطبه توحیدی با فلسفه ارتباط دارد. این طور خطبه‌ها با تاریخ ارتباط دارد. بعضی از خطبه‌ها با جهاد ارتباط دارد و بعضی با موعظه و نصیحت ارتباط دارد. این نهج البلاغه یک این چنین کتابی است که در هر موردی مطالب سازنده مناسبی وجود دارد. این خطبه ۱۶ بود که اعلان اصلاحات، انقلاب، تحولی به این اندازه از عمق و وسعت و عظمت در آن بود.

حالا کار شروع می‌شود. در این رابطه خطبه‌ها و کلمات فراوان وجود دارد؛ یکی از اینها خطبه‌ای است که قبل از این خطبه سید رضی ذکر کرده است. «وَ مِنْ كَلَامِ لَهُ فِيمَا رَدَهُ عَلَيْهِ الْمُسْلِمُونَ مِنْ قَطَاعِ عَثَمَانَ» عثمان که سر کار آمد قطائع—جمع قطیعه است که به زمین و به

حفظ کند. دوم علیم که بداند به طور دقیق در کجا باید بیت المال مصرف شود. این دو سه خط خیلی مهم است.

حضرت امیر الله در بیت المال یکی از اصل‌هایی که مورد بحث ماست همین است. «حَفِظْ عَلِيهِ حفظ بیت المال از ضیاع و هدر رفتن و مورد دست برقرار گرفتن. یکی هم علیم که در چه موردی باید مصرف شود تا اینکه عزت و عظمت و استغایی مسلمان‌ها در آن جامعه تأمین شود. این اصل، مورد بحث ماست.

در جلسه گذشته عرض کردیم که حضرت امیر الله بعد از اینکه ۲۵ سال از مسند خلافت دور افتاده بودند، مفاسد فراوانی در عالم اسلام به وجود آمده بود. بالاخره مردمی قیام کردند و با حضرت بیعت کردند. حضرت امیر الله در جایگاه اصلی خودشان قرار گرفتند، خطبه ای خواندند که در آن خطبه می‌خواستند اعلام کنند که انقلابی را به وجود خواهند آورد. عرض کردیم که این خطبه کلام شاتزده نهج البلاغه است. «وَ مِنْ كَلَامِ لَهُ فِيمَا بَيْعَ فِي الْمَدِينَةِ» در مدینه که بیعت صورت گرفت، حضرت منبر رفتند و خطبه خواندند. در این خطبه اعلام این است که حضرت در جامعه تحولی به وجود خواهند آورد. «الْتَّبَلِيلُ بَيْلَةً وَلَكَثَرِيلُنَّ غَرَبَلَةً وَلَشَاطِنَ سُوْطُ الْفِدَرِ حَشَّيٌ يَعُودَ أَسْفَلَكُمْ أَعْلَمُكُمْ وَأَعْلَمُكُمْ أَسْفَلَكُمْ». این خطبه این طور شروع می‌شود «ذِمَّتِي بِمَا أَفُولُ رَهِيَّةً» ذمه من در گرو آن چه است که می‌گوییم و آنچه امروز اعلام می‌کنم به آن عمل خواهم کرد. «وَ أَنَا بِهِ زَعِيمٌ» من ضامن که آنچه می‌گوییم به مرحله اجرا بگذارم. «إِنَّ بِكَيْتَكُمْ قَدْ عَادَتْ كَهْيَتَهَا يَوْمَ بَعَثَ اللَّهُ بَيْهِ صِ» مفاسد بسیاری در این ۲۵ سال به وجود آمده بود که خودشان در نامه ۵۳ که به مالک اشتر نوشته شدند، «فَإِنَّ هَذَا الدِّينَ قَدْ كَانَ أَسِيرًا فِي أَيْدِي الْأَشْرَارِ يُعْلَمُ فِيهِ بِالْهَوَى وَيُنْظَلَبُ بِهِ الدَّجَى». دین ۲۵ سال در دست اشرار اسیر بود. با هوا و هوش خود رفتار می‌کردند و از دین به عنوان ایزار استفاده می‌کردند. بدانید که بلیه و محنت و امتحان شما الان بازگشت کرده است. مثل همان روز که پیغمبر خدا مبعوث شد. در آن روز پیغمبر خدا در برابر افکار جاهلی که در قام شعب زندگی شاخه داشت و نفوذ کرده بود مبارزه کردند و آنها را برگرداندند. آن قدر در این ۲۵ سال مفاسد به وجود آمده که دویاره همان جاهلیت برگشته است. «إِنَّ بِكَيْتَكُمْ قَدْ عَادَتْ كَهْيَتَهَا يَوْمَ بَعَثَ اللَّهُ بَيْهِ صِ وَ إِنَّ الَّذِي بَعَثَهُ بِالْحَقِّ لَكَثَلِيلُنَّ بَيْلَةً» بالا و پایین خواهید رفت اضطرابی به وجود خواهد امد. «وَلَكَثَرِيلُنَّ غَرَبَلَةً» و غربال خواهید شد. یک نفر که مرکز و مصدر حق است و مجسم حق است کارهای زیادی انجام خواهد داد. کسانی که تابعند و می‌پذیرند، خوب معلوم است. اما

غیر منقول می‌گویند—بسیاری از زمین‌ها مال بیت‌المال بود، مال ملت بود؛ ولی عثمان اینها را به بستگان و خویشاوندان و طرفداران خود داده بود و آنها از آن استفاده می‌کردند. حضرت این اعلامیه را درباره قطائع صادر می‌کنند «وَاللَّهِ لَوْ وَجَدْنَاهُ قَدْ تُرُوجَ بِهِ النَّسَاءُ وَمُلْكٌ بِهِ الْأَمَاءُ لَرَدَدْنَاهُ» به و الله اگر من پیدا کنم از بیت‌المال از قطائع که حق کاینه زن‌ها قرار دادند، حق دادند و برای خودشان اماء و کنیز خریده اند همه را برミ گردانم بدون استثناء. «فَإِنَّ فِي الْعَدْلِ سَعَةً وَمَنْ ضَاقَ عَلَيْهِ الْعَدْلُ فَأَنْجُورُ عَلَيْهِ أَضْيَقُ» در عدالت هر کس در راستای عدالت گام بردارد وسعت دارد، منطق است و دلیل است و وسعت است و فطرت. عدل را فطرت می‌پنیرد، منطق و دلیل هم کمک می‌کند و پیشرفت می‌کند. این را بدانید که در عدل وسعتی است، کسی که طرفدار عدل است طرفداران فراوانی دارد و کارش پیشرفت و وسعت پیدا می‌کند، ولی کسی که عدل برایش مضيقه ایجاد می‌کند، از عدل به تنگ می‌آید در برابر عدل نمی‌تواند خودش را با عدل هماهنگ کند. بداند که این شخص در ورطه جور واقع شده و ورطه جور اضيق و تنگ تر است. هم در دنیا کسی که ظلم کند چنان است که سرگذشت ظالمان را دیدیم و هم در آخرت خزی است و عذاب است. حالا این شروحش را عرض کنم؛ این خطبه را بخواهید مطالعه کنید کلام ۱۵ نهج البلاغه در شرح خوئی جلد سوم صفحه ۲۱۳، بحرانی جلد اول صفحه ۲۹۵، این ای الحدید جلد اول صفحه ۲۶۹، فی ظلال جلد اول صفحه ۱۲۹. در این شروح اسامی کسانی که از بیت‌المال سوء استفاده کرده بودند و چه کسی این بدعت را ایجاد کرده بود و حضرت امیر چگونه این اموال را از چنگ آنها در آورد با آن قاطعیت و صلاحت ذکر شده. مطالعه کنید بقیه برای جلسه بعد ان شاء الله تعالى.